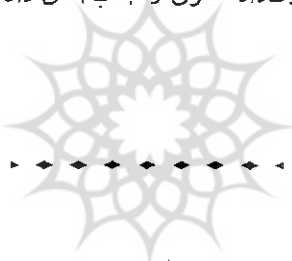


داشت زیرا قدرت مالی اوها مقدر بوده که با سرمایه کم در روز بتواند خرج خود و خانواده خود را تأمین کند و با سه ماه حبس همه چیز او از میان می‌رود و دیگر کاری از او ساخته نیست جز آنکه ولگردی و قمار بازی یا دزدی و شرارت نماید عدم رعایت این نکات است که موجب گردیده هزارها نفر در زمره ولگردان و دزدان باشند و شاید اگر قانون ما بصورت بهتری بود این عده امروز در زمره مردان با تقوی و بی‌آزار و در عین حال فعال می‌بودند .

بنابراین تبدیل دو ماه حبس بغرامت نقدی را باید تبدیل باختیار قاضی در تبدیل محکومیت کیفری به نقدی نمود تا اشخاص اگر استطاعت دارند غرامت نقدی را بپردازند و دست قاضی هم برای تعیین میزان آن باز باشد تا در موارد مختلف محکومیت اجرا کند در مورد ثروتمندان غرامت بیشتر و نقد در مورد کسبه و مردم متوسط یا عادی پرداخت با قسط البته آنچه در این مقاله ذکر میشود پیشنهاد قطعی نیست و مسلماً احتیاج به اصلاح دارد ولی همینقدر معرفت زمینه و طرز فکر است برای وضع قوانینی که میتواند در کم شدن زندانی و تأمین آسایش خانواده‌ها در آینده تأثیر زیاد داشته باشد .

امیدوار است وزارت دادگستری و جناب آقای دادستان کل بمسائل مورد بحث

توجه نمایند .



انواع مطابقت فریبی

بقلم دکتر مجید حائری

حقوق جزای بین‌المللی

عنصر اجتماعی مجازات بین‌المللی - اشاعه مجازات بین‌المللی در سالهای اخیر قرن بیستم توجه علمای حقوق جزاء و بطور کلی سایر مردمان را بخود معطوف داشته است .

سهولت مسافرتها و آسانی خروج و دخول بکشورها و سرعت وسائل ارتباطی که حتی روز بروز در تنزاید است بر اهمیت این موضوع میافزاید و حتی توجه دولتها را باین موضوع جلب میکند که چنانچه یکی از اتباعشان در خارجه مرتکب جرمی علیه کشور متبوع و قوانین جاری مسلکشان شود چگونه باید او را مجازات کرد . بطور اخص ایجاد دسته و گروه بدکاران و خائنین که خطر و ضرر آنان بیشتر ظاهر میشود و اغلب در خارج يك کشور تشکیل میشود موجب وحشت و دهشت علمای حقوق را فراهم نموده است - چه بر کسی پوشیده نیست که این جرائم بیش از سایر بزبهای عادی فردی

که در داخل يك مملکت ارتكاب میبندند نظم اجتماعی را برهم میزنند و در امور مملکت ایجاد اختلال مینمایند - بنابراین جرائم جعل اسکناس و پول رایج يك کشور و معامله زنان فاحشه و کودکان برای اعزام بکشور - معامله اشیاء مخدر و عمل ترور و قتل با هستی و حیات يك اجتماع بستگی دارند و باین سبب این نوع جرائم را «جرائم بحتوق افراد» نام داده اند .

موضوع حقوق جزای بین المللی - برای رفع این خطر روز افزون و برای جلوگیری از آثار شوم و مهیب آن باید بین دول همکاری ایجاد گردد و قلمرو حکومت جزائی را توسعه داد و همین عملی است که برخلاف نظریه ژان ژاک روسو و بکاریا از نقطه نظر - خاک و محیط اقتدار قوانین جزائی که دودانشمند اخیر آنرا بسرحد يك کشور محدود نموده اند عده از علمای جزائی قرن نوزدهم قلمرو حکومت و اقتدار قانون جزا را بخارج از سرحد يك کشور کشیده و حتی قانون جزا را به بعضی از جرائمی که در خارج از يك مملکت ارتكاب گردد قابل انطباق دانسته اند قراردادهای استرداد مجرمین که بیش از پیش بین دول منعقد میگردد برای این است که دادرسی را بدادگاهی ارجاع نمایند که برای رسیدگی بدادگاههای دیگر رجحان و امتیاز دارد و قوانین مجازاتی که جدیداً تصویب شده اند مثل قانون مجازات ایتالیا در ۱۹۳۰ بعضی احکام جزائی صادره از دادگاههای خارجه را مانند احکام صادره از دادگاه ایتالیا قابل ترتیب اثر میداند .

بنابر آنچه ذکر شد منابع حقوق جزای بین المللی تقسیم میشوند بمنابع داخلی و منابع بین المللی ریشه حقوق فرانسه بند ۱ ماده ۳ قانون مدنی است که انطباق قوانین امنیتی و قوانین مربوط بحفظ اشخاص و اشیاء را بتمام ساکنین خاک فرانسه اختصاص میدهد و قوانین مزبور عبارت از قوانین مجازات و قوانین اصول محاکمات جزائی است .

ولی اخیراً در قانون اصول محاکمات جزائی فرانسه دو ماده اضافه شده که صلاحیت دادگاههای جزائی فرانسه را بسیار وسیع ساخته و حتی بجرائم ارتكابی بتوسط يك فرانسوی و یا يك خارجی که در خارجه مرتکب شوند سرایت داده است (ماده ۵ تا ۷ قانون اصول محاکمات جزائی فرانسه)

قانون ۱۰ مارس ۱۹۲۷ راجع باسترداد مجرمین باین روش دادرسی يك صورت قضائی داده است زیرا این اصول قبلاً بتوسط قراردادها جز، عادات و رسوم بین المللی شده بودند .

ما فعلاً چند مأخذ مهم این فرضیه را ذیلاً ذکر مینمائیم .

- ۱ - کارهای کنکرة انجمن بین المللی حقوق جزائی
- ۲ - کنفرانسهای داده شده از سال ۱۹۲۶ در دفتر بین المللی اتحاد حقوق جزائی که يك رول بزرگ و مهمی را بازی کرده است .
- ۳ - مجلاتی که راجع باین موضوع در آلمان و ایتالیا و سویس انتشار یافته

۴ - کتب آقای بیلوت برنارد و سن اوین راجع باسترداد مجرمین منتشره در فرانسه .

۵ - جدیداً کتاب حقوق جزای بین المللی و بجریان گذاشتن آن در هنگام صلح و جنگ - ۵ جلد ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ بتوسط آقای تراور

۶ - مقدمه مطالعه در حقوق جزای بین المللی آقای دن دبودو ابر ۱۹۲۲ استاد دانشکده حقوق پاریس و اصول جدید حقوق جزای بین المللی در ۱۹۲۶

برای آنکه راجع باین موضوع اساسی اطلاعات جدیدتری بدهیم بی مناسبت نیست که راجع بتوسعه صلاحیت دادگاهها در خارج از خاک يك کشور صحبت کنیم .

جای بحث نیست که صلاحیت دادگاههای جزائی محدود بحدود يك کشور بوده و دادگاهها بتمام جرائمی که در يك کشور وقوع یابد صلاحیت دارند اعم از اینکه ارتکاب جرم بتوسط یکی از اتباع آنکشور واقع شده باشد و یا از اتباع کشورهای دیگر (در ایران پس از الغاء کابینولاسیون در سال ۱۹۲۷ این اصل جاری و ساری است و دادگاههای جزائی نسبت بتمام ایرانیان و یا خارجیانی که در کشور ایران مرتکب جرمی شوند اعم از اینکه ساکن ایران باشند یا نباشند صلاحیت رسیدگی را دارند .)

ولی باید توجه داشت که بعضی از اعمال برای اتباع ایران جرم است در صورتیکه برای اتباع خارجه جرم نیست و بالعکس مثل حمل اسلحه و یا خیانت باستقلال کشور که چنانچه از ناحیه یکی از اتباع خارجه ارتکاب شود جاسوسی است و همچنین اقامت ایران برخلاف قوانین شهربانی که هر ایرانی بالذات حق اقامت در ایران را دارد در صورتیکه خارجیانی چنین حق را ندارند

علاوه بر آنچه ذکر شد قوانین يك کشور نمیتواند نسبت بتمام اتباع خارجه بشکل مساوی انطباق یابد بنا بر مثال می توان رئیس کشور خارجه و یا مامورین سیاسی که مصونیت دارند را ذکر کرد و در هر صورت هر چند قوانین يك کشور اقتدار و صلاحیت خود را توسعه داده و با اتباع خارجه یا داخله که در خارج و داخل کشور مرتکب جرم شده اند سرایت دهد . نمیتواند احکام صادره از دادگاههای خارجه را کان لم یکن فرض کرده و با آنها ترتیب اثر ندهد و آن هنگامی است که مرتکبین ثابت نباشند بهمان اتهام در کشور دیگری تحت تعقیب قرار گرفته و نسبت با آن حکم قطعی صادر گردیده و یا آنکه محکومیت آنان مشمول مرور زمان شده و یا مورد عفو قرار گرفته اند .

بنابراین در اختلاف بین «صلاحیت خاکی» و «اقتدار حکم قطعی» حقوق دانان موضوع ثانی را قویتر دانسته و آنرا ترجیح می دهند مشروط بر آنکه حکم از يك دادگاه قانونی صادر شده و ارکان آن کامل باشد .

حال به بینیم اگر جرمی در خارج از خاک يك کشور ارتکاب بشود در چه صورت دادگاه کشور دیگر صلاحیت رسیدگی را خواهد داشت برای روشن شدن مطلب توضیح می دهیم که بنا بر مثال جرمی در خارج کشور ایران وقوع یافت آیا دادگاههای ایران صالح برای رسیدگی میباشد یا خیر ؟

این موضوع همانستکه از ماده ۵ یا ۷ قانون اصول محاکمات جزائی کشور فرانسه مصوب سال ۱۹۰۳ مستفاد میشود و چون این موضوع بر اصول اساسی قانون مجازات که قلمرو آنرا محدود بحدود کشور نموده اند لطمه میزند ممکن است مورد تعجب واقع شود .

ولی برای پاسخ بعلمای حقوق که تابع نظریه اخیر الذکر میباشند میتوان گفت که منظور از وضع قوانین مجازاتی در مرحله نخست حفظ نظم و انتظام کشور است و چه بسا جرائمی که در خارج یک کشور ارتکاب شده اند بیشتر از جرائم ارتکابی داخلی مغل نظم عمومی کشور میباشند و چه بسا ممکن است اتباع یک کشور برای فرار از مجازات بخارج مسافرت نموده و در آنجا مرتکب جرمی شوند و بعداً بکشور خود مراجعت نمایند و برای رفع این خطر عده ای دیگر از علمای حقوق صلاحیت دادگاههای یک کشور را بخارج سرحد توسعه دادند در صورتیکه مرتکب از اتباع آن کشور باشد و اصطلاحاً این موضوع را (شخصیت مثبت) نام نهادند این فرضیه از استفاده افراد یک کشور در خارج از حمایت مامورین سیاسی سرچشمه گرفت که بنابراین فرضیه در مقابل این حمایت اتباع کشور باید تابع قوانین جزائی کشور خود باشند .

ولی این نظریه در عمل دچار اشکالات عدیده ای میگردد و بعلاوه کشورها آنرا قبول نمیکردند و بناچار طریقه دیگری ایجاد گردید که آنرا (شخصیت منفی) و یا حمایت اتباع نام نهادند که طبق آن صلاحیت دادگاههای یک کشور را وقتی بخارج سرایت دادند که جرم بر علیه حکومت آن دولت باشد که فعلاً عموم کشورها آنرا قبول کرده اند و یا آنکه جرم بر علیه یکی از اتباع کشور ارتکاب یافته باشد ایرادی که باین نظر وارد است این است که قوانین جزائی برای حفظ و حمایت فرد تدوین و تصویب نمیکردد ناچنانچه منافع یک فرد در خارج کشور تامین نرود قوانین جزا بحمايت او برخیزند - پس از طریقه فوق اخیراً طریقه دیگری متداول گردیده و آنرا میتوان طریقه عمومیت حق مجازات نامید که طبق این حق هر کشوری که یکی از متهمین و مجرمین اعم از خارجی یا داخلی که در خارج مرتکب جرمی شده باشند دستگیر و بازداشت نماید حق مجازات او را دارد و این قسمت را میتوان صلاحیت قاضی توقیف کننده دانست که ابتدا در ایتالیا ایجاد و بین شهرهای آن جاری گردید و در قانون مجازات فرانسه تنها اختصاص به جرائم علیه حقوق افراد داده شد مثل خرید و فروش زنان و کودکان و جعل پول و اسکناس ولی حتی در فرانسه مورد عمل قرار نگرفت و جای خود را بقراردادهای استرداد مجرمین داد که طبق آن صلاحیت عموماً بقاضی محلی داده میشود که از جهت وصف و محل وقوع جرم بر سایر قضات رجحان و برتری دارد .

در بعضی کشورها از جمله فرانسه موضوع توسعه صلاحیت دادگاه فرانسه بچند نوع تقسیم شده است . و بیشتر بتابعیت متهم توجه میشود
الف - جرائم ارتکابی بتوسط فرانسویان مقیم خارجه : در این نوع علاوه بر تابعیت بنوع جرم نیز توجه میشود

۱ - در صورتیکه این جرائم علیه امنیت و اعتبار دولت فرانسه باشند و ماده ۵ قانون اصول محاکمات فرانسه تکلیف آنرا معین مینماید که نسبت بعضی جرائم از قبیل (مهرتقلبی دولت - جعل پول و اسکناس و اوراق بانکی) صلاحیت دادگاه فرانسه بخارج سرایت میکند هر چند مجرم داخل خاک فرانسه نشده و قرارداد استرداد مجرمین بین کشور فرانسه و کشوری که در آنجا تبعه فرانسه مرتکب جرم شده است وجود نداشته و تحویل هم نشده باشد که در این صورت دادگاه غیاباً رسیدگی خواهد کرد (البته باید دانست که برطبق همان ماده چنانچه ثابت شود که متهم تحت تعقیب فرار گرفته و حکم قطعی نیز درباره اوصادر گردیده و باحکم مشمول مرور زمان شده و یا مورد عفو قرار گرفته دیگر تعقیب نخواهد گردید)

۲ - جنایات حقوق عمومی - نسبت بجرائم دیگر غیر آنچه ذکر شد چنانچه یکی از اتباع فرانسه در خارج مرتکب شود برای آنکه دادگاه فرانسه او را تعقیب کند وجود دو شرط لازم است .

اول - مجرم بپیل خود وارد خاک فرانسه شده باشد و نه تنها دادگاه محل وقوع غیاباً رسیدگی نکرده باشد بلکه برطبق قوانین استرداد مجرمین درخواست تحویل او نیز نشده باشد

دوم - در صورتیکه فاعل قبلاً مورد تعقیب و رسیدگی قرار نگرفته و حکم قطعی درباره اوصادر نشده باشد

۳ - جنحه های عمومی - در موضوع جنحه باید علاوه بر دو شرطی که در قسمت جنایات ذکر گردید دو شرط دیگر اضافه نمود .

اول - آنکه عمل مزبور طبق قانون کشوری که عمل در آنجا اتفاق افتاده جرم و قابل مجازات باشد نه اینکه قانون فرانسه آنرا جرم بدانند (این شرط در جنایات لازم الرعایه نیست) ملاحظه میشود که قاضی فرانسه برخلاف اصل کلی قانون خارجه را (محل وقوع جرم) در نظر میگیرد .

دوم - آنکه جرم مزبور تعقیب نمیشود مگر آنکه مدعی خصوصی و متضرر از جرم بدادسرا شکایت نماید و یا آنکه رسماً بدادسرای فرانسه بتوسط مأمورین رسمی کشوری که در آنجا جرم بوقوع یافته اعلام شود .

در هر صورت ملیت مجرم در روز وقوع جرم مورد نظر بوده است ولی اخیراً طبق بند ۳ جدید ماده ۵ قانون ۲۶ فوریه ۱۹۱۰ هر چند قبل از محاکمه مجرم ملیت فرانسه را کسب نموده باشد دادگاه فرانسه صلاحیت رسیدگی دارد .
در موضوع خلاف دادگاههای فرانسه صلاحیت ندادند هر چند فاعل تبعه فرانسه باشد .

ب - جرائم ارتکاب شده بتوسط يك خارجی در خارج
در مورد جرائمی که خارجیان در خارج مرتکب میشوند قاعده کلی این است

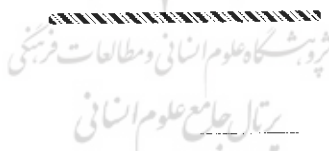
حقوق جزائی

که دادگاههای جزائی صلاحیت رسیدگی ندارند ولی در قانون فرانسه بر این قاعده کلی یک استثنای مهم وجود دارد .

چنانچه جرم ارتكابی از نوع جنایت بوده و علیه امنیت یا اعتبار دولت فرانسه باشد که در این صورت دادگاه فرانسه صالح رسیدگی است زیرا منافع حکومت فرانسه بخطر افتاده است و علت این نقض اصل کلی این است که موضوع حمایت حکومت فرانسه حائز کمال اهمیت است و حتی دو خصوصیت بر این استثناء وارد است .

۱ - بر فرض آنکه متهم در خارج مورد تعقیب قرار گرفته و حکم مجازات نیز درباره او صادر و اجراء شده باشد باز هم محاکم فرانسه صالح برای رسیدگی مجدد میباشد و بطوریکه مشاهده میشود در آنجا قدرت حکم قطعی بر منافع دولت و حکومت رجحان داده نشده زیرا جای ترس است که دادگاه یک کشور خارجی که ممکن است دولت متبوع خودش باشد باندازه کافی منافع حکومت فرانسه را رعایت ننماید و مجرم را باندازه کافی بمجازات نرساند

۲ - در مقابل تعقیب مجرم صورت نخواهد پذیرفت مگر اینکه متهم داخل خاک فرانسه شده و یا آنکه بر طبق قراردادهای استرداد مجرمین تحویل شده باشد بنابراین رسیدگی غیابی در این مورد بعمل نخواهد آمد زیرا چون اغلب مجرم در خاک فرانسه مالک چیزی نیست در صورتیکه حکم غیابی علیه او صادر شود این حکم غیر قابل اجرا خواهد ماند و ضعف دادگستری را نشان میدهد .



محمد انتضاد بروجردی

بحث در وصیت

مستفاد از کلمات علماء، حقوق اسلامی آنستکه وصیت بردو قسم است وصیت ملکی دوم وصیت عهدی و آثار و شرایط آنها مختلف است در وصیت عهدی قبول موصی له در نفوذ وصیت لازم نیست مثل آنکه موصی مالی را از دیگران طلب داشته باشد و وصیت نماید که بعد از فوت او آنمال تعلق به مدیون یابد در این مورد قبول مدیون در صحت وصیت شرط نیست یا آنکه وصیت نماید که ورثه بعد از فوت او ایتان باموری از قبیل دادن صدقات و ساختن مسجد یا پل و غیره نماید در این مورد قبول کسی لازم نیست و لسی در وصیت تملیکی مستفاد از کلمات اکثر از علماء، از قبیل